

دارد، بلکه درباره جذب دانشجویان خارجی در کشور نیز قابل تسری است. باید به این پرسش پاسخ داد که چه میزان از فارغ‌التحصیلان خارجی دانشگاه‌های کشور به دیپلماسی علمی کشور و اهداف سیاست خارجی یاری رسانده‌اند؟ این پرسش اهمیت پازل مورد اشاره را برجسته‌تر می‌سازد که در صورت ناجور بودن و ناکوک ماندن، چنین دستورکارهایی نقض غرض است؛ هرچند که خود بخشی از پازل و البته اجتناب ناپذیر باشند.

۴. در برداشت گفتمانی از دیپلماسی علمی، علاوه بر مرجعیت علمی و ارتقای جایگاه علمی کشور در رتبه‌بندی جهانی، اهداف دیگری نیز مورد انتظار است؛ لذا تدوین نقشه راه یا ایجاد سازوکارهای اجرایی دیپلماسی عمومی در وزارت عتف، شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت علمی ریاست جمهوری و دانشگاه‌های کشور نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. اینکه در تصریحات رهبر انقلاب بر اولویت بخشی فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاهیان با کشورهای همسایه‌ای چون عراق و پاکستان تأکید می‌شود، مویذ عدم توقف دیپلماسی علمی در معنای رایج آن است.

۵. هرگونه امضای توافقنامه علمی در حوزه‌های همکاری‌های بین‌المللی نظیر اعزام و جذب دانشجو و نیز انجام پروژه‌های مشترک بین‌المللی و نیز تدوین نقشه راه دیپلماسی علمی در دانشگاه‌ها، چنانچه هدفمند و در متن نیاز کلان کشور نباشد و صرفاً به منظور افزایش کمی شاخص‌ها باشد، می‌تواند نقض غرض باشد؛ ارجاع به توجیهاتی نظیر اینکه گسترش اعطای بورس‌های بین‌المللی، پذیرش دانشجویان

